



آمادگی برای یک داستان معمایی

اگر پسر خاله‌تان در کابین چرخ و فلک ناپدید شود، چه می کنید؟

مریم رحیمی پور
آموزگار

همراهان قدیمی صفحه کتاب کودک و نوجوان «ایران جمعه» می دانند که در هفته‌های اول فعالیت (که الان بیش از یک سال از آن می‌گذرد) در مورد اهمیت آموزش ژانرهای داستانی به نوجوانان صحبت کردیم. در مورد اینکه اگر نوجوانان، عناصر داستان و ژانرهای داستانی را بهتر بشناسند، احتمالاً قضاوت بهتری هم در مورد آثار مختلف داستانی، مثل کتاب، فیلم، سریال و... خواهند داشت. خصوصاً چون در یک جهان پراز داستان زندگی می‌کنیم، احتمالاً شناخت دسته‌بندی داستان‌های دنیا به نظم گرفتن ذهن بچه‌ها نیز کمک خواهد کرد.

یکی از ژانرهایی که یک شماره مفصل در مورد آن صحبت کردیم، ژانر معمایی بود و آن زمان بعنوان یک معلم کتابخوانی-نگارش، پیشنهادم برای کتاب معمایی نوجوانان، آثار ملکه جنایی خانم آگاتا کریستی بود (که هنوز هم هست). اما اخیراً متوجه شدم که ناشران کتاب کودک و نوجوان اقدام به انتشار (یا بهتر است بگویم ترجمه) کتاب‌های معمایی-جنایی مخصوص نوجوانان کرده‌اند. یعنی مثلاً شما می‌توانید به سایت یک ناشر کتاب کودکان و نوجوان بروید و در بخش کتاب‌های معمایی چندین جلد کتاب قابل توجه ببینید و اگر نظر من را بخواهید، این اتفاق، اتفاق خوبی است.

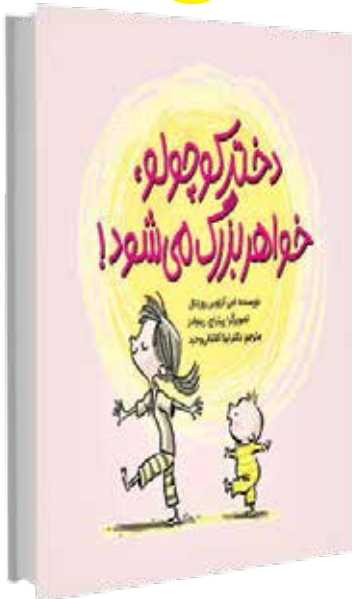
«عمای چشم لندن» یکی از آن کتاب‌های معمایی است که جدیداً مطالعه کردم. کتابی در ژانر معمایی-پلیسی که از قضا فضایی کاملاً نوجوانانه دارد و به نظرمی رسد از پس پیچیدگی‌های مخصوص این ژانر به خوبی برآمده است. «تد» شخصیت اصلی این داستان است که نوعی بیماری شناختی خاص دارد که نمی‌داند چیست و در داستان هم نامی از آن برده نمی‌شود، علائمی شبیه به اوتیسم دارد که سبب می‌شود تد در درک مسائل اجتماعی و روابط بین افراد ضعیف باشد اما مغزش به گونه‌ای کار می‌کند که می‌تواند استدلال‌های قوی‌تری داشته باشد. داستان از جایی آغاز می‌شود که «سلیم» پسر خاله تد برای مدت کوتاهی به شهر آن‌ها، لندن، سفر می‌کند و در روز اول اقامتش سوار چرخ و فلک بزرگ لندن می‌شود و دیگر از آن بیرون نمی‌آید. بله، به همین سادگی، سلیم ناپدید می‌شود و تد و خواهرش تصمیم می‌گیرند او را پیدا کنند.

وقتی خلاصه این داستان را برای بچه‌های کلاس تعریف می‌کنم، اغلب اوقات انتظار یک ماجرای تخیلی را دارند. (با توجه به اینکه حجم مطالعه کتاب‌های تخیلی بچه‌ها بالاتر



در این عملیات نجات، باعث می‌شود که کمی عقلا نه‌تر فکر کند. مشخص است که در نهایت، معمای ناپدید شدن سلیم حل می‌شود، اما در طول این کتاب علاوه بر یک داستان معمایی جذاب، با مسائل دیگری نیز مواجه می‌شویم، مانند معضلات میان نوجوانان و والدین شان و درک بهتر بچه‌هایی مانند تد که شرایط خاصی دارند. هرچه هست «عمای چشم لندن» یک رمان نوجوان معمایی خواندنی است. کتابی که می‌توان به بچه‌های بالای ۱۲ سال و بزرگترهایی که کتاب نوجوان می‌پسندند، معرفی کرد.

از دیگر ژانرهاست، طبیعی به نظر می‌آید و تعجب می‌کنند وقتی می‌گویم که سلیم طی یک اتفاق کاملاً طبیعی و واقعی ناپدید شده و داستان کاملاً واقع‌گراست و قرار نیست پای جادو و آدم‌های فضایی به آن باز شود و همین هم کتاب را جذاب می‌کند. واقعاً چه بلایی سر سلیم آمده؟ ویژگی‌های شخصیت تد هم ماجرا را با مزه‌تر می‌کند، در بخشی از داستان تد فرضیه‌های علت ناپدید شدن سلیم را فهرست می‌کند و در فهرستش چیزهایی مانند احتراق خودبه‌خودی سلیم و ناپدید شدن او در پرش زمانی هم وجود دارد و تد خیلی جدی معتقد است که از نظر علمی ممکن است چنین اتفاقاتی برای سلیم رخ داده باشد. گرچه حضور خواهرش



مثبت‌سیسمونی

برای فرزندان اول خانواده
که به تازگی خواهر یا برادر شده‌اند
فاطمه سادات شه‌روش
روزنامه‌نگار

را می‌فهمد. بی‌تجربه بودم. هیچ تصویری از زندگی بعد از ورود نوزاد نداشتم. اگر برادرم به جای سال ۷۳ در سال ۱۴۰۲، هم‌زمان با چاپ اول کتاب دختر کوچولو، خواهر بزرگ می‌شود، به دنیا می‌آمد، هیچ‌کدام از مشکلات قبلی را نداشتم. کتاب انگار از روی زندگی من نوشته شده. دختری که با خبر بارداری مادرش از جای می‌پرد و روزهای تقویم را علامت می‌گذارد تا بالاخره برادرش به دنیا می‌آید. متن کتاب استانداردهای داستان کودک را رعایت کرده. جملات کوتاه‌اند. نصیحت‌گونه نیستند و از همه مهم‌تر واقعی‌اند. نویسنده تصویری حقیقی از زندگی خواهر و برادری به کودکان ارائه کرده. این بازنمایی حقیقت به کودکان کمک می‌کند تا از شرایطی که قرار است با آن مواجه شوند، درک درستی داشته باشند. او هم از روزهایی می‌نویسد که بچه‌ها در خانه دنبال بازی می‌کنند و با هم خوش‌اند و هم اوقات را نشان می‌دهد که پسر کوچولو موهای خواهرش را می‌کشد. تصویرگری ساده و به دور از شلوغی پیتراچ رینولدز کامل‌کننده داستان است و بار انتقال بخش مهمی از پیام کتاب را به دوش می‌کشد. در کنار همه ویژگی‌های مثبت کتاب، صفحه انتهایی‌اش آن را به هدیه‌ای مناسب برای فرزندان اولی که به تازگی خواهر یا برادر شده‌اند، تبدیل کرده: «این کتاب تقدیم به... می‌شود که در تاریخ... به مقام خواهر یا برادر بزرگتر رسیده است.»

هفت‌سالگی برای تجربه شکست عشقی خیلی زود است؛ اما من طعمش را چشیده‌ام. وقتی پدرم گفت: «امروز لازم نیست بری مدرسه» فهمیدم که وقتش رسیده. ورود آقایان به بخش زایمان ممنوع بود. پدرم چند شاخه گلایول داد دستم و از پرستار خواست تا من را ببرد پیش مادرم. چند ماه به شکم قلمبه‌اش نگاه کرده بودم. انتظار پشت انتظار تا خواهر یا برادری از دل مادرم بیرون بیاید. می‌خواستم دسته دوم آتاری که همیشه با دختر همسایه‌مان بازی می‌کردم را بدهم دستش و توی حیاط با هم لی‌لی بازی کنیم. در خیالم برایش نقشه کشیده بودم تا هیچ وقت نگذارم مثل خودم حوصله‌اش سربرود. وارد اتاق که شدم، بویی شبیه الکل زدیردم‌غام. از ردیف تخت‌ها گذشتم تا به مادرم رسیدم. چشمم دودمی زد تا هم بازی‌ام را پیدا کنم. مادرم پتورا کنار زد و آن موجود موفر فرفری که فقط کمی از عروسکم بزرگتر بود را نشانم داد، خشکم زد. ساقه گلایول‌ها را در دستم فشار دادم و با خودم گفتم: «این همه صبر کردم واسه این؟» کسی که قرار بود عاشقش باشم و صبح تا شبم را با او بگذرانم حتی نمی‌توانست بنشیند، حرف بزند یا عصرها با من بیسکوئیت مادر بخورد. زندگی عاشقانه من با برادرم هنوز شروع نشده تمام شده بود. کسی به من نگفته بود نوزاد قرار است تا ماه‌ها فقط گریه کند و آروغ بزند و اداهایی در بیاورد که فقط مادرم منظورش



نویسنده تصویری حقیقی از زندگی خواهر و برادری به کودکان ارائه کرده. این بازنمایی حقیقت به کودکان کمک می‌کند تا از شرایطی که قرار است با آن مواجه شوند، درک درستی داشته باشند

